پیامد افزایش مهاجرت به استان‌های شمالی بررسی شد

عواقب اقلیمی مهاجرت به شمال

گروه اجتماعی- مریم رمضانی

حدود یک دهه قبل برخی کارشناسان پیش‌بینی کردند که مهاجرت اقلیمی، چهره ایران را تغییر می‌دهد. آنان معتقد بودند براثر تشدید خشکسالی درنواحی مرکزی، جنوبی وجنوب غربی مهاجرت‌های وسیعی شکل می‌گیرد و ساکنان استان‌های این محدوده راهی سرزمین‌های شمالی خواهند شد. این پیش‌بینی سال‌هاست که تحقق یافته و عواملی مانند فرونشست زمین و خشکسالی شدید و کمبود منابع آبی موجب شده است که چشم‌انداز زندگی در این مناطق امیدوار کننده نباشد. در چنین شرایطی، استان‌های شمالی تنها پناهگاه قابل سکونت برای بخشی از مهاجران محسوب می‌شود.

طبق آخرین آمار منتشرشده، میزان مهاجرت به استان‌های شمالی در سال‌های ۱۴۰۰ تا ۱۴۰۲ به بیش از ۸۰۰ هزار نفر رسیده و این روند امسال نیز به دلیل تشدید تغییرات اقلیمی با سرعت بیشتری تداوم دارد. جدیدترین بررسی‌ها نشان می‌دهد، سکونت مهاجرین در استان‌های شمالی به جمعیت مصرف کننده منابع آبی و آلودگی هوا براثر ساخت وسازهای گسترده و تخریب پوشش گیاهی در این نواحی افزوده است.

تخریب جنگل‌ها و مراتع، افزایش تغییر کاربری زمین‌های کشاورزی و تبدیل آن‌ها به مناطق مسکونی از دیگر تهدیدهای جدی این مسئله است. باتوجه به افزایش تعداد آگهی‌های فروش زمین و تغییر کاربری اراضی در این مناطق، رئیس سازمان جهاد کشاورزی گیلان هشدار داده است که «مهاجرت گسترده به استان‌های شمالی پیامدی جدی برای بخش کشاورزی به همراه دارد.» عباس پوریانی، رئیس کل دادگستری مازندران نیز عنوان کرده است: «درسالیان اخیر به دلیل افزایش روزافزون جمعیت و افزایش بی‌رویه ساخت وسازها ناشی از مهاجرپذیری، فضاهای سبز به ویژه اراضی زراعی و باغی به شدت در معرض تخریب و تبدیل قرارگرفته‌اند، گواه این مطلب عکس‌های هوایی و آمارهاست که نشان دهنده سیر صعودی تغییر کاربری اراضی زراعی و باغی است.»

حنیف رضا گلزار، پژوهشگر منابع آب وخاک در گفت‌وگو با «رسالت» نسبت به این مسئله اظهار نگرانی کرده وخطر مهاجرت‌های آبی را مورد تحلیل وواکاوی قرار داده است.

آقای گلزار، اخیرا مهاجرت از استان‌های مرکزی وجنوبی به استان‌های شمالی، به ویژه مازندران وگیلان افزایش یافته، اگرچه این مناطق به عنوان نقاط دارای پوشش گیاهی مناسب، آب کافی و خاک مناسب شناخته می‌شوند، اما آیا ظرفیت آبی استان‌های شمالی علاوه برتأمین شهروندان، برای مهاجران نیز کافی است؟

مشخص است که مازندران به لحاظ زیرساختی ظرفیت پذیرش گسترده مهاجران را ندارد، ودرنتیجه افزایش جمعیت، تقاضا برای تأمین آب تشدید خواهد شد. از طرفی به لحاظ اقتصادی هم واقعا اینطور که خیلی‌ها تصور می‌کنند نیست. شاید اگر به زبان آمار صحبت کنیم راحت‌تر بشود این مسئله را بررسی کرد. آمار رسمی می‌گوید که استان گلستان رتبه ششم و استان گیلان رتبه سیزدهم محروم‌ترین استان‌های کشور براساس شاخص‌های اقتصادی ترکیبی را به خود اختصاص داده‌اند. به بیان دیگر این دو استان به لحاظ محرومیت وخط فقر، بسیار پایین تر از میانگین کشوری قرار دارند بنابراین مهاجرت به شمال ایران در حالی اتفاق می‌افتد که این استان‌ها خود درگیر کم‌آبی و مشکلات اقتصادی هستند.

آن چیزی که امروز وضعیت منابع آبی را در استان‌های شمالی و به‌ویژه در مازندران به نقطه خطرناک کنونی رسانده، مربوط به اقدامات انسان ساخت است و این موضوع در کنار تغییرات اقلیمی و کاهش بارندگی نگران کننده است. بنابر سرشماری نفوس ومسکن، استان مازندران براثر مهاجرت‌های ناشی از کم‌آبی، صدرنشین استان‌های مهاجرپذیر است. این مهاجرت پذیری در حالی اتفاق افتاده که این استان به‌دلیل تخریب‌های گسترده در جنگل، افزایش جمعیت، ویلاسازی‌های گسترده، کشاورزی به روش‌های سنتی و... با بحران آب مواجه است. برداشت بی‌رویه از آب‌های زیرزمینی، سطح تراز آب‌ها و سفره‌ها را به‌ویژه در شرق مازندران کاهش داده است و این مسئله خطر فرونشست را تشدید می‌کند. براساس آمارها به طور میانگین سالانه ۶ میلیون مترمکعب از حجم آب‌های زیرزمینی مازندران کاسته می‌شود. یعنی در خوشبینانه‌ترین حالت طی ۲ دهه به اندازه یک سد بزرگ مانند سد شهید رجایی از آب‌های زیرزمینی مازندران کاسته شده است. گزارش‌های رسمی وزارت نیرو نشان می‌دهد، وابستگی استان‌های شمالی ظرف ۱۰ سال گذشته به منابع زیرزمینی افزایش یافته، زیرا حجم روان آب‌ها در این مناطق به‌شدت تقلیل رفته ولی جمعیت مصرف کننده بیشتر شده است. اگرچه طبیعت و آب‌وهوای استان‌های گیلان و مازندران برای افراد زیادی مطلوب است، اما باید توجه داشت که تداوم چنین وضعیتی، پیامدهای ناگواری به همراه خواهد داشت.

مؤلفه‌هایی نظیر تغییرات اقلیمی، کمبود آب، تغییر کاربری و عدم مدیریت صحیح، بخشی از پیکره یک جامعه را که اتفاقا از تمکن مالی بهتری نیز برخوردارند، به ناچار به سمت وسوی مهاجرت به مناطق خوش آب وهوا نظیر استان‌های شمالی سوق می‌دهد. اما قاعدتا تمرکز مهاجرت این افراد در داخل محدوده قانونی شهرها نبوده و آن‌ها را بیشتر به حاشیه شهرها و روستاها خواهد کشاند. زمین‌هایی که متصل به عرصه‌های منابع ملی، جنگلی و مرتعی است. همین امر شرایط را برای دست اندازی، تجاوز، تغییر کاربری و تخریب عرصه‌های جنگلی و مرتعی، بیش از پیش مهیا خواهد کرد، تحلیل شما از این مسئله چیست؟

همینطور هست که اشاره کردید. به دلایل متعددی شرایط زیستی در فلات مرکزی یا مناطق جنوب غربی و جنوب شرقی کشور روزبه‌روز بدتر می‌شود. سرمایه‌گذاری‌های کلان توسعه‌ای در این مناطق یکی از عوامل مؤثر در تشدید این نابسامانی‌های زیستی است. واقعیت این است که گروه بسیار اندکی از مردمی که بنا به هر دلیلی از درآمدهای کلان برخوردار بوده‌اند، بخشی از ثروت خود را در بخش مسکن سرمایه‌گذاری می‌کنند. از ترکیه گرفته تا مناطق شمالی کشور هم فرق چندانی برای این گروه اندک ندارد. مهم این است که پول نقدی که هرروز از ارزش آن کاسته می‌شود به ملکی که در شرایط اقتصادی نامساعد می‌تواند در کوتاه‌مدت ارزش افزوده خوبی داشته باشد تبدیل شود. از طرف دیگر ما در استان‌های شمالی کشور هم به دلیل تراکم بالای جمعیت و عدم سرمایه‌گذاری متناسب با آمایش سرزمین در پنجاه سال گذشته اشتغال‌زایی پایداری نداشته‌ایم. معیشت واقتصاد همچنان در این سه استان برپایه کشاورزی استوار است، سرانه زمین‌های کشاورزی بسیار پایین و بر اساس قانون ارث به شکل مستمر در حال کمتر و کمترشدن هم هست. یعنی حتی اگر کشاورز بخواهد کاربری کشاورزی زمین خود را حفظ هم بکند، به ارث رسیدن این زمین‌ها به نسل‌های بعدی موجب کوچک‌تر شدن و در نتیجه غیراقتصادی‌تر شدن کشاورزی در این استان‌ها می‌شود. خب پس ما با دو قشر روبه‌رو هستیم. یک قشر کم جمعیت غیربومی که بیشتر آن‌ها در ساختار اقتصادی به درآمدهای کلانی دست می‌یابند و خریدار ملک در شمال کشور هستند و قشری دیگر جمعیتی انبوه از مردم و کشاورزان در سه استان شمالی که به دلیل غیراقتصادی بودن کشاورزی و کوچک شدن مداوم زمین، تمایل به فروش اراضی خود دارند. خریدار و فروشنده هردو راضی هستند. پولی که فروشنده دریافت می‌کند در کوتاه‌مدت بخش زیادی از مشکلات معیشتی او را حل‌وفصل می‌کند ولی در میان مدت و دراز مدت دیگر اینطور نیست و جمعیتی که روزگاری تولید کننده محصولات کشاورزی بودند، مجبور به مهاجرت از روستاها به شهرها می‌شوند. درواقع در این چرخه خریدوفروش، ما تولید کننده کشاورزی را به مصرف کننده تبدیل می‌کنیم.

دبیرکل انجمن علمی اقتصاد شهری ایران در سال ۱۴۰۰ هشدار داده بود: «حدود ۲ میلیون هکتار از جنگل‌های شمال کشور امروزه محل تاخت وتاز ویلاسازان و جنگل خواران قرار گرفته است، و تخمین‌ها نشان می‌دهد که پوشش جنگلی مازندران در ۵۰ سال گذشته به نصف کاهش یافته است.» این آمار پیش از رشد ناگهانی موج مهاجرت به شمال ایران ارائه شده بود. با توجه به افزایش ساخت وساز در مناطق جنگلی مازندران و گیلان طی سال‌های اخیر، احتمالا این روند تخریب با سرعت بیشتری ادامه یابد، اینطور نیست؟

من یادم هست که در سال ۱۳۹۵ مجلس شورای اسلامی طرح تحقیق وتفحصی در این باره انجام داده بود. آن گزارش نشان می‌داد که تنها در روستای زیارت در بالادست شهر گرگان بیش از هفت هزار واحد مسکونی غیرمجاز ساخته شده است. خب شما این را تعمیم بدهید به سطح کل این سه استان شمالی. بی‌تردید وضعیت در مرکز و غرب مازندران که به پایتخت نزدیک‌تر هستند وخیم‌تر است. ببینید هفت هزار واحد مسکونی غیرمجاز تنها در یک روستای کوچک عدد بسیار بزرگی هست. صحبت هفت واحد یا هفتاد واحد نیست! سؤال این است که دستگاه‌های مسئول کجا بودند، چرا برخورد نکردند؟ برخورد که نکردند هیچ، برای همه این واحدهای مسکونی غیرمجاز ساخته شده در دل جنگل یا در بستر رودخانه آب و برق و گاز و تلفن و جاده و امنیت و خدمات شهری هم فراهم و سند مالکیت هم صادر شده است! ترجمه این اتفاقات، این است که هیچ نظارت و اقدام بازدارنده‌ای برای جلوگیری از تصرف و تغییر کاربری عرصه‌های ملی و کشاورزی در شمال کشور وجود ندارد و دولت‌ها به‌واسطه دریافت جریمه و فروش خدمات، به‌نوعی از این قانون شکنی‌ها کسب درآمد هم می‌کنند و طبیعی است که دوست نداشته باشند درآمد کلان خود را از دست بدهند.

از کل مساحت ایران، تنها منطقه کوچکی که شامل استان‌های شمالی است، دارای طبیعت، شرایط آب‌وهوایی و خصوصیات اکولوژیکی خاص است که وقتی بیش از حد تحت فشار قرار گیرد، حتما امتیازات خود را از دست خواهد داد، اکنون استان‌های شمالی چقدر با از دست دادن این امتیازات فاصله دارند؟ باتوجه به افزایش موج گرما، افت میزان بارندگی‌ها در کشور و کاهش ذخایر منابع آبی و وقوع خشکسالی‌های گسترده در سطح کشور، و همچنین به دلیل افزایش آلاینده‌های زیست محیطی بر اثر استفاده از سوخت‌های فسیلی و غیراستاندارد و افت کیفیت هوا، و نیز تداوم گردوغبار در برخی نقاط کشور می‌توان ادعا کرد که وضعیت زیست محیطی واقلیمی استان‌های شمالی نیز وارد مرحله بحرانی شده است؟

بله سال‌ها است که سه استان شمالی از مرزهای بحران عبور کرده‌اند. ما الان در شرق مازندران و استان گلستان در تأمین آب شرب مردم حتی در فصل‌های پاییز و زمستان هم درمانده‌ایم. الان بحث مدیریت پسماند شهری در استان‌های شمالی به ویژه در مازندران به یک چالش ملی تبدیل شده است. زباله‌های ساری را سال‌ها در محلی به نام گویچاله در بالادست مراتع این شهر دفن می‌کردند که شیرابه‌های آن تمام منابع آب شرب و کشاورزی را آلوده می‌کرد. بعدها بخشی از زباله ساری را به استان گلستان می‌بردند. مدتی هم زباله را بار کامیون می‌کردند و به تهران می‌فرستادند! شما یک حساب سرانگشتی انجام دهید ببینید روزانه چند کامیون و با چه هزینه و استهلاک و آلودگی و مصرف سوخت بالا باید این کار را انجام دهند! خوب است که رسانه‌ها مافیا و پشت پرده این طرح‌های مضحک را ریشه یابی وافشا کنند. چه کسانی هزینه‌های کلان برای جابه جایی زباله را تصویب و اجرا می‌کنند ولی حاضر به پیگیری برای ساخت کارخانه کمپوست و... نیستند؟ از ٦٥ شهر مازندران همین الان فاضلاب تولیدی ٦٠ شهر یا وارد چاه‌های جذبی شده و سفره‌های آب زیرزمینی را آلوده می‌کند یا مستقیم و بدون تصفیه وارد رودخانه‌ها و تالاب‌ها و درنهایت دریاچه کاسپین می‌شود. آب‌های کاسپین در محدوده مرزهای ایران بیشترین آلودگی با فرم مدفوعی را نشان می‌دهد! جماعتی برای ساخت پتروشیمی آلاینده در حاشیه تالاب میانکاله سینه چاک می‌کنند ولی حاضر نیستند با سرمایه‌گذاری بسیار محدودتری موضوع پسماند و پساب را در این سه استان که نگین درخشان این سرزمین است حفظ کنند. این‌ها را گفتم تا باری دیگر تأکید کنم که ما آینده بحرانی در شمال نداریم. ما سال‌ها است که در شمال کشور با بحران زندگی می‌کنیم. حالا شما تصور کنید موج مهاجرت هم به این مناطق بحرانی به راه افتاده است.... به نظرم حال و روز و آینده این مناطق روشن‌تر از آن است که بخواهیم درباره آن مصیبت خوانی کنیم.

برخی از کارشناسان معتقدند باتوجه به اینکه جمعیت زیادی برای داشتن آب وهوای باکیفیت کوله بار خودشان را جمع کرده‌اند تا در شهری دیگر زندگی کنند، اگر مسئولان ما برای این قبیل مهاجرت‌ها برنامه‌ریزی کنند، آنگاه محیط و جامعه مقصد (استان‌های شمالی) با مشکلات کمتری مواجه خواهد بود، آیا مهاجرت برنامه ریزی شده می‌تواند از مشکلات استان‌های شمالی بکاهد و اساسا کشور ما باتوجه به شرایط فعلی می‌تواند برای چنین مسئله‌ای برنامه ریزی کند؟

ببینید تصور می‌کنم مهاجرت برنامه ریزی شده از اساس یک پارادوکس است. چراکه اگر به دنبال برنامه ریزی بودیم باید بسیار زودتر اقدام می‌کردیم، درحال حاضر شهروندان فوج فوج به دلیل نابسامانی‌های زیستی به شمال کشور مهاجرت می‌کنند! ما درست مدیریت نکردیم و برنامه ریزی و آینده نگری برای حرکت در مسیر توسعه پایدار و پیشرفت را در دستور کار قرار ندادیم. به قول شاعر «هرکه آمد عمارتی نوساخت/ رفت و خود آن به دیگری بسپارد» و نتیجه آن را امروز داریم می‌بینیم. بنابراین نسبت به مهاجرت برنامه ریزی شده خوشبین و امیدوار نیستم.

آیا در شرایطی که کمبود آب عامل اصلی مهاجرت به استان‌های شمالی است، باتدوین یکسری راهکارهای خاص در مناطقی که دچار خشکسالی و کم‌آبی هستند می‌توان میزان مهاجرت به سمت استان‌های شمالی را کاهش داد؟ (فکر می‌کنید برای کاهش مهاجرت‌های داخلی که به دلیل مسائل محیط زیستی صورت می‌گیرد باید چه راهکاری اتخاذ کرد؟)

واقعا نمی‌دانم! بعید هم می‌دانم کسی بداند چه باید کرد. راهکارهای خاص که به آن اشاره کردید زمانی مؤثر است که یک سرزمین هنوز با چالش‌های عدیده‌ای مواجه نشده باشد. همانطور که گفتم ما سال‌ها است در استان‌های شمالی از مرزهای بحران عبور کرده‌ایم. برای نمونه سفره‌های آب زیرزمینی را مصرف کرده‌ایم و سالانه نزدیک به ۱۵ میلیارد مترمکعب تراز منفی داریم. روان آب‌های سطحی در رودخانه‌های مادر چند دهه گذشته از نصف هم کمتر شده ولی حجم سدهای ساخته شده همچنان بیشتر می‌شود. همه این‌ها نشانه‌هایی از ناتوانی در برنامه‌ریزی است و من وقتی این موارد را مرور می‌کنم، نمی‌توانم امیدوار باشم که ساختار اداری کشور بتواند با ارائه راهکاری ورق را برگرداند. در خوشبینانه‌ترین شرایط فکر می‌کنم که بشود با یکسری اقدامات بازدارنده از عمق بحران بکاهیم.

پدیده روبه‌رشد اجاره اراضی کشاورزی در استان‌های شمالی توسط مهاجران استان‌های جنوبی، درسال‌های اخیر به یک خطر جدی تبدیل شده. می‌گویند بحران آب در گیلان به مرحله‌ای رسیده که بحث جیره‌بندی آب نیز مطرح شده است. بااین حال، افزایش شمار مهاجران به این استان وافزایش کشاورزی وضعیت را بغرنج‌تر کرده است. چرا راندمان آبی هیچ جایگاهی در معادلات ما ندارد و همزمان با خشکاندن سفره‌های آبی، تالاب‌ها و رودخانه‌ها، کشاورزی را همچنان به شکل بی‌رویه‌ای توسعه داده و مجوز ایجاد سد و حفر چاه‌های گسترده صادر می‌شود، وچرا سیاست‌های آبی توسعه‌ای به سمت پایداری مناطق هدایت نمی‌شود، تا علاوه برنجات سرزمین، شاهد معضل فزونی مهاجرت گسترده نباشیم؟

ببینید ما باید بپذیریم که تحریم هستیم و مادامی که مراوده و بده بستان اقتصادی با سایر کشورهای جهان برقرار نباشد، نمی‌توانیم به حفظ محیط زیست و منابع طبیعی فکر کنیم. به همین علت امروز با فشار مضاعف بر منابع آب وخاک باید به هر قیمتی که شده کالای مورد نیاز ۸۵ میلیون نفر را به شکل پایدار تأمین کنیم. اگر تحریم‌ها نبود، هیچ دلیلی نداشت تمامی محصولات به ویژه محصولات آب بر را خودمان تولید و کشت کنیم. حتی کشورهایی مانند آمریکا و استرالیا که جزء بزرگترین صادرکننده‌های محصولات کشاورزی هستند، برخی محصولات را از سایر کشورها وارد می‌کنند. در حال حاضر نتیجه بهره برداری بی‌رویه از اراضی؛ کسب رتبه اول یا دوم در فرسایش خاک و فرونشست زمین است! ببینید اگر بخواهیم مسائل را به شکل علمی پیش ببریم و مدیریت کنیم باید دستکم تا ۱/۵ میلیون هکتار از اراضی زیر کشت گندم آبی را از چرخه تولید خارج کنیم تا خود را احیا و تبدیل به مرتع شود. بررسی‌های استعداد اراضی می‌گوید این ۱/۵ میلیون هکتار، فاقد پتانسیل تولید گندم است. اما همانطور که اشاره کردم تحریم‌ها باعث شده تا نتوانیم در بخش خدمات و صنعت، اشتغال پایدار ایجاد کنیم و مجبوریم با فشار برمنابع طبیعی و محیط زیست اشتغال و اقتصاد را به سمت کشاورزی منحرف کنیم. در چنین شرایطی می‌توان به گزاره‌های فنی مانند راندمان و بهره‌وری پرداخت؟ خیلی بعید می‌دانم که با این ساختار، فعلا شاهد گشایشی در این بخش باشیم. قسمتی از مشکل نیز به خود ما برمی گردد. این موضوع را پیشتر در گفت‌وگو با «رسانه‌ای» مطرح کردم، اینکه «ما مجاز نیستیم آب را برای تولید محصولاتی که کوچک‌ترین سهمی در تأمین کالری مردم ندارد، تخصیص بدهیم. براساس برآوردهای رسمی منتشرشده، درسال ۱۳۹۸ حجم آبی معادل ٤٦٩ میلیون مترمکعب از منابع آبی کشور برای تولید محصول غیرضروری ای نظیر هندوانه تخصیص یافت. آیا این اقدام با اصول و مبانی اولیه مدیریت منابع آبی در سرزمینی که رودهایش یکی پس از دیگری می خشکد دارای توجیه است؟ آیا همین حجم آب را نمی‌توان برای تولید محصولات کشاورزی با نیاز آبی کم، با مقاومت بالا نسبت به شوری خاک و برخوردار از ویژگی استراتژیک به کاربرد؟»(۱) کشت محصولات آب بر، تبخیر بیش از ۳ برابری نسبت به متوسط جهانی و بارندگی کمتر از یک سوم متوسط جهانی و فرونشست زمین در تمامی استان‌های کشور، همه و همه بیانگر شرایط سخت و سنگینی است که الزام اجرای برنامه سختگیرانه مدیریت منابع آب کشور را گوشزد می‌کنند. شما به‌عنوان روزنامه نگار تحقیق کنید ببینید چرا بین سال‌های ۱۳۹۰ تا ۱۴۰۱ بیش از ۷۵ هزار میلیارد تومان برای گسترش آبیاری تحت فشار از منابع مالی کشور هزینه شد تا راندمان افزایش یابد و بیلان منفی سفره‌های آب زیرزمینی کشور کاهش یابد ولی نه تنها راندمان بهبود نیافت که بیلان منفی از ۱۳۰- میلیارد به بالای ۱۴۵- میلیارد مترمکعب افزایش یافت و فرونشست زمین در حال بلعیدن این سرزمین است؟ پاسخ به این پرسش بی‌گمان می‌تواند برای ریل گذاری مسیر اثرگذار باشد.

پی نوشت:

۱- بخشی از گفت‌وگو با اعتماد آنلاین

هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی
آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

برابر رای شماره ۱۴۰۳۶۰۳۰۱۰۲۴۰۰۷۸۳۴ - ۱۴۰۳/۱۱/۱۸ هیات اول موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک شهری تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی آقای محمدرضا نیکبخت ثمرین به ش.ش ۲۸۰۴ کدملی ۰۴۹۱۴۱۶۳۱۸ صادره از شهری فرزند احمد در ششدانگ یک قطعه زمین با بنای احداثی در آن به مساحت ۲۵/۷۶ مترمربع پلاک شماره ۵۵۸ فرعی از ۱۱۲۳ اصلی واقع در تهران بخش حوزه ثبت ملک شهری خریداری به موجب (قولنامه عادی و باتوجه به کد ۹۷۷ مجموعه بخشنامه های ثبتی مورد ثبت صفحه ۷۱ دفتر ۵۰) محرز گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید ظرف مدت یکماه از تاریخ تسلیم اعتراض دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۳/۱۲/۱۱
تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۳/۱۲/۲۶
م الف ۱۷۵۶

سیدمهدی لامعی
رئیس ثبت اسناد و املاک شهری

هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی
آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

برابر رای شماره ۱۴۰۳۶۰۳۰۱۰۲۴۰۰۷۱۲۰ - ۱۴۰۳/۱۰/۲۹ هیات اول موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک شهری تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی آقای عباد علیزاده خواجه ایم به ش.ش ۱۱۱۸۶ کدملی ۱۴۶۱۳۲۱۵۷۳ صادره از اردبیل فرزند لطیف در سه دانگ مشاع از ششدانگ یک قطعه زمین با بنای احداثی در آن به مساحت ۷۳/۰۴ مترمربع پلاک شماره ۱۸۴ فرعی از ۱۱۶ اصلی واقع در تهران بخش حوزه ثبت ملک شهری خریداری به موجب (قولنامه عادی و وکالتنامه از وراث مرحوم ماشاالله رحیمی) محرز گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید ظرف مدت یکماه از تاریخ تسلیم اعتراض دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۳/۱۲/۱۱
تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۳/۱۲/۲۶
م الف ۱۷۶۷

سیدمهدی لامعی
رئیس ثبت اسناد و املاک شهری

هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی
آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

برابر رای شماره ۱۴۰۳۶۰۳۰۱۰۲۴۰۰۷۸۳۶ - ۱۴۰۳/۱۱/۱۸ هیات اول موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک شهری تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی آقای قدرت بازیار به ش.ش ۲۰۸۷ کدملی ۴۵۴۹۶۷۹۱۳۱ صادره از آبدانان فرزند یداله در ششدانگ یک قطعه زمین با بنای احداثی در آن به مساحت ۴۰/۶۷ مترمربع پلاک شماره ۵۵۸ فرعی از ۱۱۲۳ اصلی واقع در تهران بخش حوزه ثبت ملک شهری خریداری به موجب (قولنامه عادی و با توجه به کد ۹۷۷ مجموعه بخشنامه های ثبتی مورد ثبت صفحه ۷۱ دفتر ۵۰) محرز گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید ظرف مدت یکماه از تاریخ تسلیم اعتراض دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۳/۱۲/۱۱
تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۳/۱۲/۲۶
م الف ۱۷۶۰

سیدمهدی لامعی
رئیس ثبت اسناد و املاک شهری

آگهی موضوع ماده ۳ قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

برابر آرای صادره هیات اول موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک ایجرود به شرح ذیل مالکیت سیدمیثم موسوی فرزند سیدجلال به ش.م ۴۲۷۱۰۷۸۱۲۳ نسبت به ششدانگ خریداری به صورت مبایعه نامه عادی در ۲ قطعه زمین زراعی به شرح ذیل محرز گردیده لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید ظرف مدت یکماه از تاریخ تسلیم اعتراض دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.

۱- ششدانگ یک قطعه زمین زراعی به مساحت ۱۲۰۸۳/۵۷ مترمربع به پلاک فرعی ۱۲۰۴ از ۱۴۹ اصلی بخش ۵ زنجان واقع در جوقین برابر رای شماره ۱۴۰۳۶۰۳۲۷۰۰۰۴۰۰۵۲۲۰ مورخه ۱۴۰۳/۱۰/۲۰
۲- ششدانگ یک قطعه زمین زراعی به مساحت ۱۰۳/۴۰ مترمربع به پلاک فرعی ۱۲۰۵ از ۱۴۹ اصلی بخش ۵ زنجان واقع در جوقین برابر رای شماره ۱۴۰۳۶۰۳۲۷۰۰۰۴۰۰۵۲۲۱ مورخه ۱۴۰۳/۱۰/۲۰

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۳/۱۲/۱۱
تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۳/۱۲/۲۶

علی غلامی
رئیس اداره ثبت اسناد و املاک شهرستان ایجرود

هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی
آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

برابر رای شماره ۱۴۰۳۶۰۳۰۱۰۲۱۰۰۰۹۸۵۹ مورخ ۱۴۰۳/۱۰/۲۹ هیات اول موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک فیروزکوه تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی آقای سیدحسین موسوی فرزند سیدمظفر به ش.ش ۶ صادره از دماوند در قسمتی از ششدانگ یک قطعه زمین دیمزار به مساحت ۹۲۶۲/۶۰ مترمربع مشاع از ۱۸۰۳۱۰/۴۰ مترمربع ششدانگ پلاک شماره ۱۳۰۵ فرعی مفروز از ۱۱۱۷ فرعی از ۱۰۷ اصلی واقع در سله بن فیروزکوه انتقالی مع الواسطه از عباداله تبار محرز گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید ظرف مدت یکماه از تاریخ تسلیم اعتراض دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۳/۱۲/۱۱
تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۳/۱۲/۲۶

جلیل علیزاده کارسالاری
رئیس ثبت اسناد و املاک فیروزکوه

رونوشت آگهی حصروراثت

آقای آرا عزیز دارای شناسنامه شماره ۸۸۱ بشرح دادخواست به کلاسه ۰۳۰۱۹۰۶-۱۴۰۳ ش ح از این شورا درخواست گواهی حصروراثت نموده و چنین توضیح داده که شادروان ونیس عزیز به ش.ش ۳ در تاریخ ۱۴۰۳/۱۰/۱ اقامتگاه دائمی خود را بدرود زندگی گفته ورثه آن مرحوم/ مرحومه منحصر است به (چهار نفر)
۱- نازیک خانی ش.ش ۵۵۸ فرزند سانور متولد ۱۳۳۷ صادره از ارومیه کدملی ۲۷۵۱۰۲۶۳۶۲ همسرمتوفی
۲- آنی عزیز ش.ش ۸۷۳ فرزند ونیس متولد ۱۳۵۵ صادره از ارومیه کدملی ۲۷۵۳۶۳۷۷۷۶ دخترمتوفی
۳- آرا عزیز ش.ش ۸۸۱ فرزند ونیس متولد ۱۳۵۹ صادره از ارومیه کدملی ۲۷۵۳۷۰۸۷۵۴ پسرمتوفی
۴- آدرینه عزیزفرزند ونیس متولد ۱۳۶۹ صادره از ارومیه کدملی ۲۷۴۰۲۵۵۶۰۸ دخترمتوفی

اینک با انجام تشریفات مقدماتی درخواست مزبور به استناد ماده ۳۶۲ قانون امور حذفی را در یک نوبت آگهی می نماید تا هر کسی اعتراضی دارد و یا وصیتنامه از متوفی نزد او باشد از تاریخ نشر نخستین آگهی ظرف یکماه به شورا تقدیم دارد والا گواهی صادر خواهد شد. به استناد نامه شماره ۱۴۰۳/۷۱۳ تاریخ ۱۴۰۳/۱۱/۲۹ طبق مقررات احوال شخصیه ارامنه گریگوری ماترک مرحوم ونیس عزیز فرزند عزیز که وراث حین الفوت آن مرحوم یک همسر یک فرزند پسر و دو فرزند دختر می باشد به طور مساوی کلیه اموال منقول و غیرمنقول بین وراث تقسیم می گردد.

رئیس شعبه ۴۳ شورای حل اختلاف ویژه اقلیتهای دینی شهرستان ارومیه- ولسون یونن

هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی
آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

برابر رای شماره ۱۴۰۳۶۰۳۰۹۰۰۱۰۰۵۵۱ مورخ ۱۴۰۳/۱۱/۱۱ کلاسه ۱۴۰۳۱۱۴۴۰۹۰۰۱۰۰۱۱۲۶ موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک منطقه یک قزوین تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی آقای محسن نانکلی به ش.ش ۴۲۲ کدملی ۴۳۲۲۱۵۲۰۰۷ صادره قزوین فرزند ستار در مقدار ۴۲ سهم ششدانگ یک قطعه باغ به مساحت ۷۷۰ مترمربع پلاک شماره ۴۰- اصلی واقع در اراضی روستای رشتقون قزوین بخش ۱۴ (لازم به ذکر است مقدار ۵۴ سهم از ۹۶ سهم کل پلاک موقوفه است و نیاز به اجاره نامه رسمی و یا موافقت اداره اوقاف دارد) حوزه ثبت ملک منطقه یک قزوین محرز گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید ظرف مدت یکماه از تاریخ تسلیم اعتراض دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۳/۱۲/۱۱ تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۳/۱۲/۲۷

شعبان عسگری
رئیس ثبت اسناد و املاک

آگهی مزایده اموال غیرمنقول (سند رهنی و شرطی)

به موجب پرونده اجرائی کلاسه ۱۴۰۳۰۰۳۱۳ صادره متعهد: عبدالله رئیسی گیگلووپنیر بوزلوبولاق آراز- متعهدله: بانک کشاورزی حسب درخواست بانک بستانکار به وارده شماره ۸۶۷-۱۴۰۳/۱۱/۱۳ مزایده ششدانگ عرصه و اعیان ساختمان به شماره شش هزار و ششصد و چهل فرعی از یکصد و دوازده اصلی مفروز و مجزی شده از شماره سیصد و نود و نه فرعی قطعه یکصد و هشتاد و هشت تفکیکی واقع در بخش ۲۱ حوزه ثبتی پارس آباد استان اردبیل به مساحت ۱۴۴ یکصد و چهل و چهار مترمربع توضیحات ملک به حدود شمالا پی است به طول ۸/۰۰ هشت متر به خیابان شرقا پی به پی بطول ۱۸/۱۰ هجده متر و ده سانتی متر به قطعه یکصد و هشتاد و نه تفکیکی جنوبا پی است بطول ۸/۰۰ هشت متر به خیابان به عرض بیست و پنج متر غربا پی به پی بطول ۱۷/۹۰ هفده متر و نود سانتی متر به قطعه یکصد و هشتاد و هفت تفکیکی مشخصات منضمات ملک: مالکیت عبدالله رئیسی گیگلو فرزند محمود به ش.ش ۴۴۸۳ متولد ۱۳۵۳/۴/۱ صادره از پارس آباد دارای ش.م ۵۰۴۹۴۷۲۱۶۴ صادر و تسلیم گردیده است ملک فوق در شهرستان پارس آباد زمین زینالی خیابان ۲۴ متری کمربندی دوم نرسیده به تقاطع خیابان پارسا ملکی است دو بر به ابعاد ۸×۱۸ متر به مساحت ۱۴۴ یکصد و چهل و چهار مترمربع که ساختمان ۴ طبقه به انضمام بهارخواب با سازه اسکلت بتن آرمه به مساحت کل اعیانی ۵۸۷/۴۸ مترمربع طبقه همکف به صورت تجاری و ۳ طبقه فوقانی دیگر مسکونی می باشد. عملیات اجرایی طبقه همکف (تجاری) به اتمام رسیده و آماده بهره برداری می باشد. ولی طبقات مسکونی تا مرحله سفت کاری پیش رفته است و ۶۰ درصد پیشرفت فیزیکی دارد. لذا با ملاحظه جمیع جهات نظیر موقعیت تجاری و مسکونی ملک دوبر بودن ملک کیفیت استفاده از مصالح مصرفی و بدون لحاظ نمودن سابقه بازداشتی سند و یا رهنی بودن سند در بانکها جهت استفاده از وام و یا سایر تسهیلات بانکی و یا استعلام از بنگاههای معتمد و معتبر بازار قیمت روز ملک مذکور (عرصه و اعیان) به مبلغ ۱۳۵/۰۰۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال (معادل سیزده میلیارد و پانصد میلیون تومان) برآورد می گردد که از طریق مزایده روز چهارشنبه از ساعت ۹ الی ۱۲ مورخ ۱۴۰۳/۱۲/۲۲ واقع در اجرای ثبت پارس آباد طبقه اول به فروش می رسد. مزایده از مبلغ ۱۳۵/۰۰۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال (معادل سیزده میلیارد و پانصد میلیون تومان) شروع و به بالاترین قیمت پیشنهادی نقدا فروخته می شود. شرکت در جلسه مزایده منوط به پرداخت ده درصد از مبلغ پایه کارشناسی به حساب سپرده که حضور خریدار یا نماینده قانونی او در جلسه مزایده است برنده مزایده مکلف است مابه التفاوت مبلغ فروش را ظرف مدت پنج روز از تاریخ مزایده به حساب صندوق ثبت تودیع نماید و در صورتی که ظرف مهلت مقرر مانده فروش را به حساب سپرده ثبت واریز نکند مبلغ مذکور قابل استرداد نبوده و به حساب خزانه واریز خواهد شد. در این صورت عملیات فروش از درجه اعتبار ساقط و مزایده تجدید می گردد. خریدار یا خریداران می توانند قبل از روز مزایده با هماهنگی شعبه اجرای اسناد رسمی پارسا باد از ملک مورد ارزیابی متعلق به عبدالله رئیسی گیگلو به نشانی شهرستان پارس آباد زمین زینالی خیابان ۲۴ متری (کمربندی دوم) نرسیده به تقاطع خیابان پارسا بازدید فرمایند. کلیه هزینه های قانونی و غیره... به عهده برنده مزایده است و نیم عشر و حق مزایده نقدا وصول خواهد شد. ضمنا چنانچه روز مزایده تعطیل رسمی اعلام گردد. مزایده روز اداری بعد از تعطیلی در همان ساعت و مکان مقرر برگزار خواهد شد.

م الف ۱۰۰۲۶

اجرای ثبت پارس آباد

آگهی موضوع ماده ۳ قانون تعیین تکلیف اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

هیات حل اختلاف مستقر در اداره ی ثبت اسناد و املاک شهرستان کوثر تصرفات مالکانه مفروزی و بلامعارض متقاضیان پرونده های تشکیلی موضوع قانون مذکور را بر اساس گزارش کارشناسان و به استناد مدارک موجود در پرونده به شرح آرای ذیل تایید نموده است:

۱) آقای پرویز رحیمی آقباش فرزند عالی در ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی به پلاک ۵۷۵ فرعی از ۷۰ اصلی واقع در روستای آقباش بخش ۸ سنجبد حوزه ثبتی کوثر به مساحت ۸۶۱/۷۸ مترمربع، از مالکیت اولیه علی رحیمی.
۲) آقای پرویز رحیمی آقباش فرزند عالی در ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی به پلاک ۵۷۶ فرعی از ۷۰ اصلی واقع در روستای آقباش بخش ۸ سنجبد حوزه ثبتی کوثر به مساحت ۴۰۷۸/۰۱ مترمربع، از مالکیت اولیه علی رحیمی.
۳) آقای پرویز رحیمی آقباش فرزند عالی در ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی به پلاک ۵۷۷ فرعی از ۷۰ اصلی واقع در روستای آقباش بخش ۸ سنجبد حوزه ثبتی کوثر به مساحت ۳۲۳۳/۴۶ مترمربع، از مالکیت اولیه علی رحیمی.
۴) آقای پرویز رحیمی آقباش فرزند عالی در ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی به پلاک ۵۷۸ فرعی از ۷۰ اصلی واقع در روستای آقباش بخش ۸ سنجبد حوزه ثبتی کوثر به مساحت ۵۰۴۹/۹۷ مترمربع، از مالکیت اولیه علی رحیمی.
۵) آقای پرویز رحیمی آقباش فرزند عالی در ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی به پلاک ۵۷۹ فرعی از ۷۰ اصلی واقع در روستای آقباش بخش ۸ سنجبد حوزه ثبتی کوثر به مساحت ۲۳۳۹/۸۴ مترمربع، از مالکیت اولیه علی رحیمی.
۶) آقای پرویز رحیمی آقباش فرزند عالی در ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی به پلاک ۵۸۰ فرعی از ۷۰ اصلی واقع در روستای آقباش بخش ۸ سنجبد حوزه ثبتی کوثر به مساحت ۵۴۰۹/۲۵ مترمربع، از مالکیت اولیه علی رحیمی.
۷) آقای پرویز رحیمی آقباش فرزند عالی در ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی به پلاک ۵۸۱ فرعی از ۷۰ اصلی واقع در روستای آقباش بخش ۸ سنجبد حوزه ثبتی کوثر به مساحت ۳۲۵۰/۶۵ مترمربع، از مالکیت اولیه علی رحیمی.
۸) آقای پرویز رحیمی آقباش فرزند عالی در ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی به پلاک ۵۸۲ فرعی از ۷۰ اصلی واقع در روستای آقباش بخش ۸ سنجبد حوزه ثبتی کوثر به مساحت ۳۵۳/۰۶ مترمربع، از مالکیت اولیه علی رحیمی.
۹) آقای پرویز رحیمی آقباش فرزند عالی در ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی به پلاک ۵۸۳ فرعی از ۷۰ اصلی واقع در روستای آقباش بخش ۸ سنجبد حوزه ثبتی کوثر به مساحت ۶۰۱۸/۴۷ مترمربع، از مالکیت اولیه علی رحیمی.
۱۰) آقای پرویز رحیمی آقباش فرزند عالی در ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی به پلاک ۵۸۴ فرعی از ۷۰ اصلی واقع در روستای آقباش بخش ۸ سنجبد حوزه ثبتی کوثر به مساحت ۷۱۹۸ مترمربع، از مالکیت اولیه علی رحیمی.
۱۱) آقای پرویز رحیمی آقباش فرزند عالی در ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی به پلاک ۵۸۵ فرعی از ۷۰ اصلی واقع در روستای آقباش بخش ۸ سنجبد حوزه ثبتی کوثر به مساحت ۴۰۷۹/۲۴ مترمربع، از مالکیت اولیه علی رحیمی.
۱۲) آقای حکیم ناصری سخا فرزند ابراهیم در ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی به پلاک ۵۸۶ فرعی از ۷۰ اصلی واقع در روستای آقباش بخش ۸ سنجبد حوزه ثبتی کوثر به مساحت ۲۹۰۸/۲۱ مترمربع، از مالکیت اولیه حکیم ناصری.
۱۳) آقای حکیم ناصری سخا فرزند ابراهیم در ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی به پلاک ۵۸۷ فرعی از ۷۰ اصلی واقع در روستای آقباش بخش ۸ سنجبد حوزه ثبتی کوثر به مساحت ۲۰۰۱/۷۹ مترمربع، از مالکیت اولیه بهمن بصیری.
۱۴) آقای حکیم ناصری سخا فرزند ابراهیم در ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی به پلاک ۵۸۸ فرعی از ۷۰ اصلی واقع در روستای آقباش بخش ۸ سنجبد حوزه ثبتی کوثر به مساحت ۸۳۸/۲۲ مترمربع، از مالکیت اولیه بهمن بصیری.
۱۵) آقای حکیم ناصری سخا فرزند ابراهیم در ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی به پلاک ۵۸۹ فرعی از ۷۰ اصلی واقع در روستای آقباش بخش ۸ سنجبد حوزه ثبتی کوثر به مساحت ۴۰۳/۵۹ مترمربع، از مالکیت اولیه بهمن بصیری.
۱۶) آقای حکیم ناصری سخا فرزند ابراهیم در ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی به پلاک ۵۹۰ فرعی از ۷۰ اصلی واقع در روستای آقباش بخش ۸ سنجبد حوزه ثبتی کوثر به مساحت ۱۵۷۹/۴۷ مترمربع، از مالکیت اولیه بهمن بصیری.
۱۷) آقای حکیم ناصری سخا فرزند ابراهیم در ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی به پلاک ۵۹۱ فرعی از ۷۰ اصلی واقع در روستای آقباش بخش ۸ سنجبد حوزه ثبتی کوثر به مساحت ۹۳۴/۵۹ مترمربع، از مالکیت اولیه بهمن بصیری.
۱۸) آقای حکیم ناصری سخا فرزند ابراهیم در ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی به پلاک ۵۹۲ فرعی از ۷۰ اصلی واقع در روستای آقباش بخش ۸ سنجبد حوزه ثبتی کوثر به مساحت ۱۳۸۰/۳۵ مترمربع، از مالکیت اولیه بهمن بصیری.
۱۹) آقای حکیم ناصری سخا فرزند ابراهیم در ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی به پلاک ۵۹۳ فرعی از ۷۰ اصلی واقع در روستای آقباش بخش ۸ سنجبد حوزه ثبتی کوثر به مساحت ۱۹۲۵/۳۶ مترمربع، از مالکیت اولیه بهمن بصیری.
۲۰) آقای حکیم ناصری سخا فرزند ابراهیم در ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی به پلاک ۵۹۴ فرعی از ۷۰ اصلی واقع در روستای آقباش بخش ۸ سنجبد حوزه ثبتی کوثر به مساحت ۱۲۳۳/۹ مترمربع، از مالکیت اولیه بهمن بصیری.
۲۱) آقای حکیم ناصری سخا فرزند ابراهیم در ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی به پلاک ۵۹۵ فرعی از ۷۰ اصلی واقع در روستای آقباش بخش ۸ سنجبد حوزه ثبتی کوثر به مساحت ۳۵۳۳/۵۱ مترمربع، از مالکیت اولیه بهمن بصیری.
۲۲) آقای حکیم ناصری سخا فرزند ابراهیم در ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی به پلاک ۵۹۶ فرعی از ۷۰ اصلی واقع در روستای آقباش بخش ۸ سنجبد حوزه ثبتی کوثر به مساحت ۴۱۷۷/۹۳ مترمربع، از مالکیت اولیه بهمن بصیری.
۲۳) آقای حکیم ناصری سخا فرزند ابراهیم در ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی به پلاک ۵۹۷ فرعی از ۷۰ اصلی واقع در روستای آقباش بخش ۸ سنجبد حوزه ثبتی کوثر به مساحت ۲۳۴۵/۲۸ مترمربع، از مالکیت اولیه بهمن بصیری.
۲۴) آقای حکیم ناصری سخا فرزند ابراهیم در ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی به پلاک ۵۹۸ فرعی از ۷۰ اصلی واقع در روستای آقباش بخش ۸ سنجبد حوزه ثبتی کوثر به مساحت ۲۰۸۱/۳۸ مترمربع، از مالکیت اولیه بهمن بصیری.
۲۵) آقای حکیم ناصری سخا فرزند ابراهیم در ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی به پلاک ۵۹۹ فرعی از ۷۰ اصلی واقع در روستای آقباش بخش ۸ سنجبد حوزه ثبتی کوثر به مساحت ۴۹۸۰/۱ مترمربع، از مالکیت اولیه حکیم ناصری سخا.
۲۶) آقای حکیم ناصری سخا فرزند ابراهیم در ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی به پلاک ۶۰۰ فرعی از ۷۰ اصلی واقع در روستای آقباش بخش ۸ سنجبد حوزه ثبتی کوثر به مساحت ۲۴۸۶/۶۵ مترمربع، از مالکیت اولیه بهمن بصیری.
۲۷) آقای حکیم ناصری سخا فرزند ابراهیم در ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی به پلاک ۶۰۱ فرعی از ۷۰ اصلی واقع در روستای آقباش بخش ۸ سنجبد حوزه ثبتی کوثر به مساحت ۱۹۳۱/۵ مترمربع، از مالکیت اولیه بهمن بصیری.

لذا با توجه به عدم دسترسی به مالکین مشاعی مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می گردد تا چنانچه اشخاص ذینفع نسبت به صدور سند مالکیت متقاضیان اعتراضی داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین نوبت آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را کتباً به اداره ی ثبت اسناد و املاک شهرستان کوثر تسلیم و پس از اخذ رسید ظرف مدت یکماه از تاریخ تسلیم اعتراض گواهی طرح اقامه دعوی را از مرجع قضایی اخذ و به اداره ی ثبت تحویل نمایند. در غیر اینصورت پس از انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض مطابق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد. لازم به توضیح میباشد که صدور سند مالکیت بر اساس قانون مذکور مانع از مراجعه متضرر به دادگاه نخواهد بود.

م الف: ۵/۵۰۲
تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۳/۱۱/۲۵
تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۳/۱۲/۱۱

آگهی موضوع ماده ۳ قانون تعیین تکلیف اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

هیات حل اختلاف مستقر در اداره ی ثبت اسناد و املاک شهرستان کوثر تصرفات مالکانه مفروزی و بلامعارض متقاضیان پرونده های تشکیلی موضوع قانون مذکور را بر اساس گزارش کارشناسان و به استناد مدارک موجود در پرونده به شرح آرای ذیل تایید نموده است:

۱) آقای نورالدین مهرورآقباش فرزند ساری در ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی به پلاک ۶۲۵ فرعی از ۷۰ اصلی واقع در روستای آقباش بخش ۸ سنجبد حوزه ثبتی کوثر به مساحت ۳۵۳۰/۴۴ مترمربع، از مالکیت ساری مهرور.
۲) آقای نورالدین مهرورآقباش فرزند ساری در ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی به پلاک ۶۲۶ فرعی از ۷۰ اصلی واقع در روستای آقباش بخش ۸ سنجبد حوزه ثبتی کوثر به مساحت ۱۶۵۴۳/۲۴ مترمربع، از مالکیت ساری مهرور.
۳) آقای نورعلی مهرورآقباش فرزند ساری در ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی به پلاک ۶۲۷ فرعی از ۷۰ اصلی واقع در روستای آقباش بخش ۸ سنجبد حوزه ثبتی کوثر به مساحت ۲۸۲/۹۳ مترمربع، از مالکیت ساری مهرور.
۴) آقای نورعلی مهرورآقباش فرزند ساری در ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی به پلاک ۶۲۸ فرعی از ۷۰ اصلی واقع در روستای آقباش بخش ۸ سنجبد حوزه ثبتی کوثر به مساحت ۲۸۵۰/۲۴ مترمربع، از مالکیت ساری مهرور.
۵) آقای نورعلی مهرورآقباش فرزند ساری در ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی به پلاک ۶۲۹ فرعی از ۷۰ اصلی واقع در روستای آقباش بخش ۸ سنجبد حوزه ثبتی کوثر به مساحت ۶۵۲۲/۰۴ مترمربع، از مالکیت ساری مهرور.
۶) آقای گرجی مهرورآقباش فرزند ساری در ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی به پلاک ۶۳۰ فرعی از ۷۰ اصلی واقع در روستای آقباش بخش ۸ سنجبد حوزه ثبتی کوثر به مساحت ۲۹۷۴/۴۳ مترمربع، از مالکیت ساری مهرور.
۷) آقای علیرضا مهرورآقباش فرزند حسن در ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی به پلاک ۶۳۱ فرعی از ۷۰ اصلی واقع در روستای آقباش بخش ۸ سنجبد حوزه ثبتی کوثر به مساحت ۱۲۲۰/۶۸ مترمربع، از مالکیت ساری مهرور.
۸) آقای علیرضا مهرورآقباش فرزند حسن در ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی به پلاک ۶۳۲ فرعی از ۷۰ اصلی واقع در روستای آقباش بخش ۸ سنجبد حوزه ثبتی کوثر به مساحت ۲۴۶۷/۳۶ مترمربع، از مالکیت ساری مهرور.
۹) آقای علیرضا مهرورآقباش فرزند حسن در ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی به پلاک ۶۳۳ فرعی از ۷۰ اصلی واقع در روستای آقباش بخش ۸ سنجبد حوزه ثبتی کوثر به مساحت ۲۰۵۴/۵۹ مترمربع، از مالکیت ساری مهرور.
۱۰) آقای علیرضا مهرورآقباش فرزند حسن در ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی به پلاک ۶۳۴ فرعی از ۷۰ اصلی واقع در روستای آقباش بخش ۸ سنجبد حوزه ثبتی کوثر به مساحت ۱۲۴۴/۴۴ مترمربع، از مالکیت ساری مهرور.
۱۱) خانم مهرناز قاسمی فرزند حسن در ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی به پلاک ۶۳۵ فرعی از ۷۰ اصلی واقع در روستای آقباش بخش ۸ سنجبد حوزه ثبتی کوثر به مساحت ۱۷۲۵/۴۳ مترمربع، از مالکیت عطا ولد غفار.
۱۲) خانم مهرناز قاسمی فرزند حسن در ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی به پلاک ۶۳۶ فرعی از ۷۰ اصلی واقع در روستای آقباش بخش ۸ سنجبد حوزه ثبتی کوثر به مساحت ۲۵۲۶/۹۹ مترمربع، از مالکیت عطا ولد غفار.
۱۳) آقای اکبر صادقی آقباش فرزند هدایت اله در ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی به پلاک ۶۳۷ فرعی از ۷۰ اصلی واقع در روستای آقباش بخش ۸ سنجبد حوزه ثبتی کوثر به مساحت ۱۱۹۳/۸۹ مترمربع، از مالکیت بشیر صادقی.

لذا با توجه به عدم دسترسی به مالکین مشاعی مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می گردد تا چنانچه اشخاص ذینفع نسبت به صدور سند مالکیت متقاضیان اعتراضی داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین نوبت آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را کتباً به اداره ی ثبت اسناد و املاک شهرستان کوثر تسلیم و پس از اخذ رسید ظرف مدت یکماه از تاریخ تسلیم اعتراض گواهی طرح اقامه دعوی را از مرجع قضایی اخذ و به اداره ی ثبت تحویل نمایند. در غیر اینصورت پس از انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض مطابق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد. لازم به توضیح میباشد که صدور سند مالکیت بر اساس قانون مذکور مانع از مراجعه متضرر به دادگاه نخواهد بود.

م الف: ۵/۵۱۶
تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۳/۱۲/۱۱
تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۳/۱۲/۲۶

آگهی موضوع ماده ۳ قانون تعیین تکلیف اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

هیات حل اختلاف مستقر در اداره ی ثبت اسناد و املاک شهرستان کوثر تصرفات مالکانه مفروزی و بلامعارض متقاضیان پرونده های تشکیلی موضوع قانون مذکور را بر اساس گزارش کارشناسان و به استناد مدارک موجود در پرونده به شرح آرای ذیل تایید نموده است:

۱) آقای علی مشیری فرزند یداله در ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی به پلاک ۶۸۳ فرعی از ۵۴ اصلی واقع در روستای نیلق بخش ۸ سنجبد حوزه ثبتی کوثر به مساحت ۱۲۷۶/۰۴ مترمربع، از مالکیت جیران دژکام.
۲) آقای علی مشیری فرزند یداله در ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی به پلاک ۶۸۴ فرعی از ۵۴ اصلی واقع در روستای نیلق بخش ۸ سنجبد حوزه ثبتی کوثر به مساحت ۳۰۹۱/۳۷ مترمربع، از مالکیت جیران دژکام.
۳) آقای علی مشیری فرزند یداله در ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی به پلاک ۶۸۵ فرعی از ۵۴ اصلی واقع در روستای نیلق بخش ۸ سنجبد حوزه ثبتی کوثر به مساحت ۱۲۷۲/۱۷ مترمربع، از مالکیت جیران دژکام.
۴) آقای علی مشیری فرزند یداله در ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی به پلاک ۶۸۶ فرعی از ۵۴ اصلی واقع در روستای نیلق بخش ۸ سنجبد حوزه ثبتی کوثر به مساحت ۸۷۷۸/۰۸ مترمربع، از مالکیت جیران دژکام.
۵) آقای علی مشیری فرزند یداله در ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی به پلاک ۶۸۷ فرعی از ۵۴ اصلی واقع در روستای نیلق بخش ۸ سنجبد حوزه ثبتی کوثر به مساحت ۷۰۲۴/۰۹ مترمربع، از مالکیت جیران دژکام.
۶) آقای علی مشیری فرزند یداله در ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی به پلاک ۶۸۸ فرعی از ۵۴ اصلی واقع در روستای نیلق بخش ۸ سنجبد حوزه ثبتی کوثر به مساحت ۳۸۲۵/۲۸ مترمربع، از مالکیت جیران دژکام.
۷) آقای علی مشیری فرزند یداله در ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی به پلاک ۶۸۹ فرعی از ۵۴ اصلی واقع در روستای نیلق بخش ۸ سنجبد حوزه ثبتی کوثر به مساحت ۵۲۲۷/۷ مترمربع، از مالکیت جیران دژکام.
۸) آقای علی مشیری فرزند یداله در ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی به پلاک ۶۹۰ فرعی از ۵۴ اصلی واقع در روستای نیلق بخش ۸ سنجبد حوزه ثبتی کوثر به مساحت ۴۷۰۶/۱۴ مترمربع، از مالکیت جیران دژکام.
۹) آقای علی مشیری فرزند یداله در ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی به پلاک ۶۹۱ فرعی از ۵۴ اصلی واقع در روستای نیلق بخش ۸ سنجبد حوزه ثبتی کوثر به مساحت ۳۶۹۴/۲۹ مترمربع، از مالکیت جیران دژکام.
۱۰) آقای علی مشیری فرزند یداله در ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی به پلاک ۶۹۲ فرعی از ۵۴ اصلی واقع در روستای نیلق بخش ۸ سنجبد حوزه ثبتی کوثر به مساحت ۲۵۴۹/۹۶ مترمربع، از مالکیت جیران دژکام.
۱۱) آقای علی مشیری فرزند یداله در ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی به پلاک ۶۹۳ فرعی از ۵۴ اصلی واقع در روستای نیلق بخش ۸ سنجبد حوزه ثبتی کوثر به مساحت ۱۰۹۸۹/۷۷ مترمربع، از مالکیت جیران دژکام.
۱۲) آقای علی مشیری فرزند یداله در ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی به پلاک ۶۹۴ فرعی از ۵۴ اصلی واقع در روستای نیلق بخش ۸ سنجبد حوزه ثبتی کوثر به مساحت ۴۲۱۴/۷۳ مترمربع، از مالکیت جیران دژکام.
۱۳) آقای علی مشیری فرزند یداله در ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی به پلاک ۶۹۵ فرعی از ۵۴ اصلی واقع در روستای نیلق بخش ۸ سنجبد حوزه ثبتی کوثر به مساحت ۲۰۵۵/۶۳ مترمربع، از مالکیت جیران دژکام.
۱۴) آقای علی مشیری فرزند یداله در ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی به پلاک ۶۹۶ فرعی از ۵۴ اصلی واقع در روستای نیلق بخش ۸ سنجبد حوزه ثبتی کوثر به مساحت ۲۱۷۲/۳۳ مترمربع، از مالکیت جیران دژکام.
۱۵) آقای علی مشیری فرزند یداله در ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی به پلاک ۶۹۷ فرعی از ۵۴ اصلی واقع در روستای نیلق بخش ۸ سنجبد حوزه ثبتی کوثر به مساحت ۲۳۳۳/۳۹ مترمربع، از مالکیت جیران دژکام.
۱۶) آقای علی مشیری فرزند یداله در ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی به پلاک ۶۹۸ فرعی از ۵۴ اصلی واقع در روستای نیلق بخش ۸ سنجبد حوزه ثبتی کوثر به مساحت ۲۹۶۱/۳۵ مترمربع، از مالکیت جیران دژکام.
۱۷) آقای علی مشیری فرزند یداله در ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی به پلاک ۶۹۹ فرعی از ۵۴ اصلی واقع در روستای نیلق بخش ۸ سنجبد حوزه ثبتی کوثر به مساحت ۵۲۵۴/۶۳ مترمربع، از مالکیت جیران دژکام.
۱۸) آقای علی مشیری فرزند یداله در ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی به پلاک ۷۰۰ فرعی از ۵۴ اصلی واقع در روستای نیلق بخش ۸ سنجبد حوزه ثبتی کوثر به مساحت ۳۷۶۷/۳۶ مترمربع، از مالکیت جیران دژکام.
۱۹) آقای علی مشیری فرزند یداله در ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی به پلاک ۷۰۱ فرعی از ۵۴ اصلی واقع در روستای نیلق بخش ۸ سنجبد حوزه ثبتی کوثر به مساحت ۶۸۴۷/۳ مترمربع، از مالکیت جیران دژکام.
۲۰) آقای علی مشیری فرزند یداله در ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی به پلاک ۷۰۲ فرعی از ۵۴ اصلی واقع در روستای نیلق بخش ۸ سنجبد حوزه ثبتی کوثر به مساحت ۲۵۲۷/۳۲ مترمربع، از مالکیت جیران دژکام.
۲۱) آقای علی مشیری فرزند یداله در ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی به پلاک ۷۰۳ فرعی از ۵۴ اصلی واقع در روستای نیلق بخش ۸ سنجبد حوزه ثبتی کوثر به مساحت ۳۷۶۵/۴۷ مترمربع، از مالکیت جیران دژکام.
۲۲) آقای علی مشیری فرزند یداله در ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی به پلاک ۷۰۴ فرعی از ۵۴ اصلی واقع در روستای نیلق بخش ۸ سنجبد حوزه ثبتی کوثر به مساحت ۷۱۲۹/۵۴ مترمربع، از مالکیت جیران دژکام.
۲۳) آقای ماشاالله حیدری نیلق فرزند ایاز در ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی به پلاک ۷۰۵ فرعی از ۵۴ اصلی واقع در روستای نیلق بخش ۸ سنجبد حوزه ثبتی کوثر به مساحت ۴۳۰۲/۴۵ مترمربع، از مالکیت اکبر آقاتقی زاده.

لذا با توجه به عدم دسترسی به مالکین مشاعی مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می گردد تا چنانچه اشخاص ذینفع نسبت به صدور سند مالکیت متقاضیان اعتراضی داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین نوبت آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را کتباً به اداره ی ثبت اسناد و املاک شهرستان کوثر تسلیم و پس از اخذ رسید ظرف مدت یکماه از تاریخ تسلیم اعتراض گواهی طرح اقامه دعوی را از مرجع قضایی اخذ و به اداره ی ثبت تحویل نمایند. در غیر اینصورت پس از انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض مطابق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد. لازم به توضیح میباشد که صدور سند مالکیت بر اساس قانون مذکور مانع از مراجعه متضرر به دادگاه نخواهد بود.

م الف: ۵/۵۱۷
تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۳/۱۲/۱۱ تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۳/۱۲/۲۶

هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی
آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

برابر رای شماره ۱۴۰۳۶۰۳۰۱۰۲۴۰۰۷۸۴۱ - ۱۴۰۳/۱۱/۱۸ هیات اول موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک شهری تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی آقای امین دیدار به ش.ش ۴۲۴۰۲۸۹۳۸۶ کدملی ۴۲۴۰۲۸۹۳۸۶ صادره از چرام فرزند صفر در ششدانگ یک قطعه زمین با بنای احداثی در آن به مساحت ۳۰/۲۰ مترمربع پلاک شماره ۵۵۸ فرعی از ۱۱۲۳ اصلی واقع در تهران بخش حوزه ثبت ملک شهری خریداری به موجب (قولنامه عادی و با توجه به کد ۹۷۷ مجموعه بخشنامه های ثبتی مورد ثبت صفحه ۷۱ دفتر ۵۰) محرز گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید ظرف مدت یکماه از تاریخ تسلیم اعتراض دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۳/۱۲/۱۱
تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۳/۱۲/۲۶ م الف ۱۷۷۵

سیدمهدی لامعی - رئیس ثبت اسناد و املاک شهری